

## فهرست مطالب



پیشگفتار	۹
مقدمه	۱۱
مطالعات موردی	۱۷
<b>۱/ پاسخگویی مذاکره دیپلماتیک و رویه قضایی</b>	<b>۱۹</b>
کانون تمرکز: «بوسنی»	۱۹
۱.۱ مقدمه	۲۰
۲.۱ تاسیس دیوان کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق و مشارکت اولیه غرب	۲۱
۳.۱ کیفرخواست علیه «کارادجیک و ملادیک»	۲۳
۴.۱ در حاشیه قرار دادن «ملادیک و کارادجیک»	۲۴
۵.۱ زمان بندی اتهامات	۲۶
۶.۱ بهره برداری از کیفرخواست برای تقویت «استراتژی میلوشویچ»	۲۹
۷.۱ تاثیر کیفرخواست ها بر فرایند دیپلماتیک	۳۲
۸.۱ نتیجه گیری: هماهنگی آتی بین هیات های قضایی و دیپلماتیک	۳۳
منابع اولیه	۳۵
منابع ثانویه	۳۶
کتاب ها	۳۶
مقالات و گزارش ها	۳۷

۳۹	۲ / تخصص حقوقی - پیامدهای اصطلاح شناسی حقوقی در فرایندهای دیپلماتیک.....
۳۹	کانون تمرکز: «رواندا».....
۴۰	۱,۲ مقدمه.....
۴۱	۲.۲ پس‌زمینه.....
۴۳	۳,۲ اصطلاح «نسل‌کشی» و مورد «رواندا» در سال ۱۹۹۴.....
۴۳	۱.۳.۲ استفاده از [اصطلاح نسل‌کشی] توسط سازمان ملل متحد.....
۴۷	۲.۳.۲ نمونه خاص: واکنش ایالات متحده.....
۵۱	۴.۲ سایر عوامل موثر در تردید از سوی جامعه بین‌الملل.....
۵۱	۱.۴.۲ فقدان اطلاعات.....
۵۲	۲.۴.۲ فقدان توجه رسانه‌ها.....
۵۳	۳.۴.۲ «رواندا» به عنوان عضوی از شورای امنیت سازمان ملل و مفهوم جنگ داخلی.....
۵۴	۴.۴.۲ عدم تمایل به مداخله از سوی ایالات متحده.....
۵۵	۵.۲ اصطلاح «نسل‌کشی» و درس‌های آموخته شده پس از «رواندا».....
۶۰	۶,۲ نتیجه‌گیری.....
۶۱	منابع اولیه.....
۶۲	منابع ثانویه.....
۶۲	کتاب‌ها.....
۶۳	مقالات، فصل‌ها در جلد‌های ویرایش شده و گزارش‌ها.....
۶۷	۳ / متابعت - اجرای احکام بازداشت‌های بین‌المللی از طریق دیپلماسی.....
۶۷	کانون تمرکز: «کوزوو».....
۶۸	۱,۳ مقدمه.....
۶۹	۲,۳ ظلم علیه آلبانی‌های کوزوو و کیفرخواست دادگاه بین‌المللی کیفری علیه «اسلوبودان میلوشویچ».....
۷۲	۳,۳ خاتمه مناقشه در کوزوو و بازداشت «میلوشویچ».....
	۳-۴ دیپلماسی محدود برای اجرای حکم بازداشت دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق علیه
۷۴	«میلوشویچ».....
۷۵	۳-۴-۱ دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق.....

۸۰	..... ۲-۴-۳ سازمان ملل
۸۴	..... ۳-۴-۳ ناتو
۸۷	..... ۵-۳ مشروط شدن کمک و متابعت از دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق
۸۸	..... ۱-۵-۳ اتحادیه اروپا
۹۰	..... ۲-۵-۳ ایالات متحده
۹۵	..... ۶-۳ نتیجه گیری
۹۶	..... منابع اولیه
۹۹	..... منابع ثانویه
۹۹	..... کتاب‌ها
۱۰۰	..... مقالات و گزارش‌ها
۱۰۳	..... ۴ / زمان‌بندی و علامت‌دهی - پیامدهای فرآیندهای قضایی و دیپلماتیک
۱۰۳	..... کانون تمرکز: «دارفور»
۱۰۴	..... ۱,۴ پیشینه
۱۰۴	..... ۱,۱,۴ جنگ و بیرحمی‌های رخ داده در سودان
۱۰۶	..... ۲,۴ نسل‌کشی در «دارفور»؟
۱۰۷	..... ۳,۴ علامت‌دهی و زمان‌بندی ارجاع پرونده از سوی شورای امنیت سازمان ملل به دیوان کیفری بین‌المللی
۱۱۱	..... ۱,۳,۴ دولت‌های اصلی که به نفع قطعنامه ۱۵۹۳ رأی دادند
۱۱۳	..... ۲,۳,۴ خودداری از دادن رأی توسط پنج عضو دائم شورای امنیت (P-5)
۱۱۴	..... ۴,۴ کیفرخواست‌های دیوان کیفری بین‌المللی
۱۱۵	..... ۵,۴ از متابعت رسمی تا خصومت آشکار
۱۱۸	..... ۶,۴ "صلح در برابر عدالت"
۱۲۲	..... ۷,۴ زمان‌بندی و مبادله صلح و عدالت
۱۲۴	..... ۸,۴ پیامدهای علامت‌دهی و زمان‌بندی
۱۲۶	..... منابع اولیه
۱۲۹	..... منابع ثانویه

کتاب‌ها.....	۱۲۹
مقالات و گزارش‌ها.....	۱۳۱
۵ / همسویی - شناسایی همسویی‌های بالقوه بین فرآیندهای دیپلماتیک و قضایی.....	۱۳۷
کانون تمرکز: «لیبی».....	۱۳۷
۱,۵ پیشینه.....	۱۳۸
۱,۱,۵ «لیبی»، جنگ داخلی ۲۰۱۱ و شورای امنیت سازمان ملل.....	۱۳۸
۲,۵ قطعنامه ۱۹۷۰ و دیوان کیفری بین‌المللی.....	۱۴۱
۳,۵ چالش مسموع بودن و اصل صلاحیت تکمیلی.....	۱۴۳
۴,۵ قطعنامه ۱۹۷۰-محدودیت‌های سیاسی برای عدالت.....	۱۴۶
۵,۵ آیا فرآیند قضایی تضعیف‌کننده دیپلماسی است؟.....	۱۵۱
۶,۵ استفاده از دادگاه برای اهداف دیپلماتیک.....	۱۵۶
۷,۵ نتیجه‌گیری.....	۱۵۸
منابع اولیه.....	۱۶۵
منابع ثانویه.....	۱۶۶
کتاب‌ها.....	۱۶۶
پیوست‌ها و ضمائم.....	۱۷۱
پیوست شماره ۱: متن کامل اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی.....	۱۷۳
پیوست شماره ۲: متن اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری.....	۲۶۷

کتاب «عدالت و دیپلماسی» برای آن دسته از دیپلمات‌ها و حقوقدانانی طراحی شده است که درگیر اموری چون مذاکرات صلح در مناطق مورد مناقشه، کشورهای دستخوش گذار سیاسی در پی ارتکاب جنایات عامدانه و قساوت‌آمیز علیه غیرنظامیان<sup>۱</sup>، و سایر موقعیت‌های بین‌المللی شامل جرائم مورد ادعای جنگی، جنایات علیه بشریت، نسل‌کشی یا سایر نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل هستند. این مجلد به پنج مطالعه موردی تقسیم می‌شود که هر کدام از آن‌ها یک مسئله مهم و حساس را در نقطه تلاقی فرایندهای دیپلماتیک و قضایی، از جمله نقش زمان‌بندی، اطلاع‌رسانی، اصطلاحات قانونی و انطباق را مطرح می‌کند. بخش نتیجه‌گیری، نکاتی در مورد رابطه بین قوانین و دیپلماسی ارائه می‌کند و «درس‌های آموخته شده» را برای اجتناب از تناقض بین فرایندهای دیپلماتیک و قضایی در پرونده‌های حقوق بشر بین‌المللی و قوانین کیفری بین‌المللی بررسی می‌کند. پارامترهای این پروژه در ابتدا در یک نشست دو روزه با حضور محققین برجسته و دیپلمات‌ها در آکادمی دیپلماتیک بین‌المللی در پاریس<sup>۲</sup> در ژوئن ۲۰۱۲ تعیین گردید. تحقیق و نگارش مطالعات موردی توسط آکادمی دیپلماتیک بین‌المللی و کانون بین‌المللی وکلا تحت حمایت یک کارگروه بین‌المللی و با تامین بودجه از سوی وزارت امور خارجه فدرال سوئیس و کانون بین‌المللی وکلا، و پشتیبانی تحقیقاتی از «ساینس پو»<sup>۳</sup> در فرانسه، دانشگاه «هاروارد» در ایالات متحده و دانشگاه «آکسفورد»

<sup>1</sup> mass atrocities

<sup>2</sup> Academie Diplomatique Internationale in Paris

<sup>3</sup> SciencesPo

در انگلستان هماهنگ گردید. جلسات کارگروه بین المللی در شورای دولتی<sup>۱</sup> در پاریس و در کالج «آل سول»<sup>۲</sup> در آکسفورد برگزار شد.

این پروژه از مساعدت و تخصص بسیاری از افراد نظیر شاهزاده «زید رعد الحسین»، «پرفسور داوید مایکل کرین»، «پرفسور تالبوت دی آلمبرت»، «استوارت آلفورد»، «جیمز گولدستون»، «جرم دو همپتین»، «تیم هیوز»، «ناتاشا کاندیش»، «ماری مک گاون داویس»، «پرفسور مایکل نیوتون»، «پیتر پنفورد»، «انتونیا پیرا دو سوزا»، «مایکل رینلودز»، «پرفسور مایکل شارف»، «جان شاتاک»، «جیمی شی»، «دیوید تولبرت» و «لورد مایکل ویلیامز» از بلژیک بهره برده است.<sup>۳</sup> از اعضای کار گروه بطور ویژه قدردانی می گردد.

avabook.com

<sup>۱</sup> Conseil d'Etat

<sup>۲</sup> All Souls College in Oxford

<sup>۳</sup> Prince Zeid Ra'ad Al-Hussein, Prof. David Michael Crane, Prof. Talbot D'Alemberte, Stuart Alford, James Goldston, Jerome de Hemptinne, Tim Hughes, Natasha Kandic, Mary McGowan Davis, Prof. Michael Newton, Peter Penford, Antonia Pereira de Sousa, Michael Reynolds, Prof. Michael Scharf, John Shattuck, Jamie Shea, David Tolbert, and Lord Michael Williams of Baglan.

## مقدمه

در ژوئیه ۲۰۱۱، وزیر امور خارجه بریتانیا، توصیه‌ای خیرخواهانه اما گمراه کننده به «معمر قذافی»<sup>۱</sup> نمود. «ویلیام هیگ»<sup>۲</sup> در یک کنفرانس مطبوعاتی در لندن، چندین راهکار به رئیس جمهور لیبی که از طرف دیوان کیفری بین‌المللی<sup>۳</sup> به خاطر جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در نتیجه واکنش ظالمانه‌اش به شورش‌های نوظهور در کشور متهم شده بود، پیشنهاد کرد. «هیگ» اعلام کرد که «قذافی» دو گزینه پیش روی خود دارد: یا می‌تواند از قدرت چشم‌پوشد و با داشتن مصونیت در لیبی یا هر کشور امن دیگری بازنشسته شود و زندگی کند، یا می‌تواند با تعقیب کیفری دیوان کیفری بین‌المللی در لاهه<sup>۴</sup> مواجه شود.

وقتی خبرنگاری سوال کرد که آیا پیشنهاد مصونیت و بخشودگی باعث نقض کیفرخواست صادر شده توسط دادستان دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) می‌شود یا خیر، وزیر خارجه بریتانیا قاطعانه اما به صورت مبهم گفت «فکر می‌کنم شما تلاش می‌کنید ما را وارد مسیری فرضی کنید». از نظر دفتر دادستانی، هیچ چیز فرضی در مورد وضعیت کیفری رئیس جمهور لیبی وجود ندارد. سخنگوی دفتر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی، «لوئیس مورنو-اکامپو»<sup>۵</sup> که از طرف وی سخن می‌گفت، اعلام کرد که این کیفرخواست، یک «واقعیت حقوقی» است نه یک گزینه. براساس حقوق بین‌الملل، تنها یک راهکار در مورد رئیس‌جمهور لیبی وجود دارد: "وی باید بازداشت شود".

---

<sup>1</sup> Muammar Gaddafi

<sup>2</sup> William Hague

<sup>3</sup> International Criminal Court

<sup>4</sup> Hague

<sup>5</sup> Luis Moreno-Ocampo

از نظر دادگاه، موضع بریتانیا بسیار آزردهنده بود. بریتانیا جزء اولین کشورهایی بود که اساسنامه رُم دیوان کیفری بین‌المللی را امضاء و تصویب کرد، که کشورهای عضو این اساسنامه را ملزم می‌کرد «در تحقیقات و تعقیب قضایی جرایم مختلف، کاملاً با این دیوان همکاری کنند». پیشنهاد «هیگ» برای ارائه مصونیت به «قذافی»، با القاء این امر که کیفرخواست صادر شده توسط دادگاه، قطعی نیست مفاد همکاری با دیوان، بخصوص در زمینه تحقیقات، تعقیب کیفری و پیروی از قانون را نقض می‌کند از جمله ماده ۸۹ اساسنامه که بازداشت و تسلیم محکومین را الزامی می‌سازد و ماده ۹۳ که خواهان پشتیبانی کامل از تحقیقات کیفری است. اگر کشوری در همکاری قصور نماید و نتیجتاً در اجرای فرایند قانون خلل ایجاد کند، «دادگاه می‌تواند با ارائه شواهد، موضوع را به مجمع کشورهای عضو<sup>۱</sup> یا [...] شورای امنیت<sup>۲</sup> که بریتانیا یکی از پنج عضو آن محسوب می‌شود، ارجاع دهد.

به نظر می‌رسید پیشنهاد «ویلیام هیگ» در مورد بخشودگی و مصونیت احتمالی، برخلاف سابقه رای‌دهی بریتانیا به عنوان عضو دائم شورای امنیت ملل متحد است. در فوریه ۲۰۱۱، بریتانیا به قطعنامه ۲۰۱۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد رای داد که با اتفاق آراء توسط هیأت ۱۵ نفره به تصویب رسید و وضعیت لیبی به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع شد. یک ماه بعد، بریتانیا از قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت سازمان ملل<sup>۳</sup> نیز پشتیبانی کرد که در آن مجدداً به ارجاع موضوع به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی اشاره و تاکید شده بود که «افراد مسئول یا همدست در حملات علیه غیرنظامیان، اعم از حملات هوایی و دریایی، باید پاسخگو باشند». «مارک لیال گرانت<sup>۴</sup>»، نماینده بریتانیا در شورای امنیت متعهد شد که اعضاء سازمان معاهده آتلانتیک شمالی<sup>۵</sup> (NATO) و اتحادیه عرب<sup>۶</sup> «اکنون برای اقدام و پشتیبانی از نص قانون آمادگی دارند».<sup>۷</sup>

بریتانیا به عنوان یکی از اعضای اساسنامه رُم<sup>۸</sup> قانوناً خود را برای همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی ملزم نموده بود. این کشور بعنوان یکی از اعضای شورای امنیت ملل متحد دوبار به قطعنامه‌هایی رای

<sup>۱</sup> Assembly of States Parties

<sup>۲</sup> Security Council

<sup>۳</sup> UNSC

<sup>۴</sup> Mark Lyall Grant

<sup>۵</sup> North Atlantic Treaty Organization

<sup>۶</sup> the Arab League

<sup>۷</sup> شورای امنیت با ۱۰ رأی موافق و ۵ رأی ممتنع، «منطقه پرواز ممنوع» بر فراز لیبی را تصویب می‌کند و تمامی اقدامات لازم برای حفاظت از شهروندان را مجاز می‌داند؛ تیترو مطبوعات سازمان ملل در ۱۷ مارس ۲۰۱۱.

<sup>۸</sup> Rome Statute



داده بود که در آنها، بر بررسی موضوع «قذافی» تأکید شده بود و این اقدامات نهایتاً منجر به صدور کیفرخواست علیه «قذافی» و صدور قرار بازداشت شد. با این حال، چهار ماه پس از رای دوم، بنظر می‌رسید وزیر امور خارجه بریتانیا با پیشنهاد گزینه بخشودگی از محاکمه، اقدام به نقض تعهدات خود نموده است. اسارت و قتل «قذافی» توسط شبه‌نظامیان مخالف در خارج از شهر ساحلی سیرت<sup>۱</sup> لیبی در اکتبر ۲۰۱۱ موجب حل و فصل این مسئله شد، اما تیرگی روابط بین وزیر امور خارجه بریتانیا و دفتر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی موجب پررنگ شدن تعارضات و پیچیدگی‌های بین رویه سنتی و دیپلماسی یعنی مصالحه و مذاکره و پارامترهای کمتر انعطاف‌پذیری شد که از سوی نظام نوظهور قوانین بشردوستانه بین‌المللی اعمال شده بود.

از دیدگاه تاریخی، موضع «هیگ» شگفت‌آور نیست. زمانی بود که دولت‌ها تنها بازیگران ذیربط در حقوق بین‌الملل بودند. با توجه به تمایزات سیاسی، فرهنگی، مذهب و تاریخ و ماهیت بی‌چون و چرای حاکمیت دولتی، بکارگیری مجموعه یکدست از قوانین در سطح بین‌المللی، به جز اقدامات دولتی و تلاش‌های دیپلماتیک، غیرممکن بود. با این حال، طی نیم قرن گذشته، از دکتربین پذیرفته شده‌ای که حقوق بین‌الملل را حوزه منحصر به فرد دولت مستقل تلقی می‌کرد، فاصله گرفته‌ایم.<sup>۲</sup> امروزه تفسیر حقوق بین‌الملل، گسترش یافته است و بازیگران جدیدی را به عنوان نهادهای مشروع در بر می‌گیرد. این مساله به هیچ عرصه دیگری به اندازه عرصه حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بشر، مرتبط نبوده است؛ یعنی جایی که حتی در درون مرزهای دولت‌های حاکم و مستقل، توجه بطور ویژه بر فرد معطوف است.

اکنون حقوق بین‌الملل مدرن، فراتر از تنظیم رفتار بین دولت‌ها گسترش یافته و تنظیم و مقررات‌گذاری بر رفتار بین دولت و فرد را نیز در بر گرفته است. یک دکتربین جدید-دکتربینی که می‌گوید حقوق بشر فردی تحت شرایط خاص می‌تواند بر حاکمیت و استقلال دولت تقدم یابد-نظم بین‌المللی را برای همیشه تغییر داد. بخشی از این دکتربین نوظهور حقوق بشر بطور خاص با موضوع حقوق بشر در ارتباط است. جنایت نسل‌کشی (طبق کنوانسیون نسل‌کشی ۱۹۴۸)<sup>۳</sup>، جنایت علیه بشریت (طبق

<sup>۱</sup> Sirte

<sup>۲</sup> ببینید، ام. اس الیس، «مبارزه با عدم مجازات و تأکید بر مسئولیت‌پذیری به عنوان روشی برای ترویج صلح و ثبات- نقش دادگاه‌های بین‌المللی جنایات جنگی» (۲۰۰۶)، مجله حقوق امنیت ملی و سیاست، ۱.

<sup>۳</sup> کنوانسیون مربوط به پیشگیری و مجازات جنایت قتل‌عام، پاریس، نهم دسامبر ۱۹۴۸، در ۱۲ ژانویه ۱۹۵۱ به اجرا درآمد، 78 UNTS 277، ماده اول

تعریف منشور نورنبرگ)<sup>۱</sup>، نقض‌های عمده (طبق آنچه در چهار کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹<sup>۲</sup> و دو پروتکل اضافی آن مقرر شده)<sup>۳</sup> و شکنجه (طبق تعریف کنوانسیون ۱۹۸۴ علیه شکنجه<sup>۴</sup>) تماماً بعنوان نقض عمده حقوق بین‌الملل شناخته شده‌اند؛ و طبق این دکترین جدید، مشخص شده است که اختیار دولت‌ها برای اعطای بخشودگی از این جرایم باید محدود گردد.

سازوکار پاسخگویی بخاطر نقض گسترده حقوق بشر و ارتکاب جنایات قساوت آمیز و عامدانه علیه غیرنظامیان، تحول نسبتاً جدیدی است. پس از جنگ جهانی دوم، دادگاه‌های نظامی بین‌المللی در «نورنبرگ» و «توکیو» اقدام به تشکیل یک رویه مقدماتی برای انجام اقدامات قانونی علیه عاملان اصلی چنین جنایاتی نمودند، اما جنگ سرد باعث شد که مبارزه بین‌المللی برای پاسخگویی به مدت بیش از چهار دهه به تعویق بیفتد. تنها پس از پایان جنگ سرد و مشاهده اعمال وحشیانه در «کامبوج»، «رواندا» و «یوگسلاوی» سابق بود که عدالت بین‌المللی مجدداً برجسته شد و منجر به تسریع تحول و توسعه در زمینه حقوق بشر بین‌الملل و ساز و کارهای پاسخگویی گردید. اما حتی این روند نیز آهسته و وابسته به مذاکره و اجماع در بین کشورهای حاکم و مستقل بود.

تنها در ۲۵ می ۱۹۹۳ یعنی دو سال پس از آغاز خشونت در «اسلوونی» بود که شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ۸۲۷ را تصویب کرد و «دادگاه بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق»<sup>۵</sup> تأسیس شد. بیش از شش ماه پس از آغاز نسل‌کشی در «رواندا» در آوریل ۱۹۹۴ بود که شورای امنیت سازمان ملل

<sup>۱</sup> منشور دادگاه بین‌المللی نظامی، لندن، ۸ اگوست ۱۹۴۵، 82 UNTC 280، ماده ۶ (سی).

<sup>۲</sup> کنوانسیون (شماره ۱) برای بهبودی شرایط نیروهای مسلح زخمی و بیمار در میدان، ژنو، مصوب ۱۲ اگوست ۱۹۴۹ در ۲۱ اکتبر ۱۹۵۰ به اجرا درآمد، 75 UNTC 31؛ کنوانسیون شماره ۲ بهبود شرایط اعضای زخمی، بیمار و غرق‌شده نیروهای مسلح در دریا، ژنو، مصوب ۱۲ اگوست ۱۹۴۹ در ۲۱ اکتبر ۱۹۵۰ به اجرا درآمد، 75 UNTC 85؛ کنوانسیون (شماره ۳) در رابطه با درمان زندانیان جنگی، ژنو، مصوب ۱۲ اگوست ۱۹۴۹ در ۲۱ اکتبر ۱۹۵۰ به اجرا درآمد، 75 UNTC 135؛ کنوانسیون (شماره ۴) مربوط به حفاظت از شهروندان در زمان جنگ، مصوب ۱۲ اگوست ۱۹۴۹ در ۲۱ اکتبر ۱۹۵۰ به اجرا درآمد، 75 UNTC 287.

<sup>۳</sup> پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۲ اگوست ۱۹۴۹ ژنو، و مربوط به حفاظت از قربانیان مناقشات مسلحانه بین‌المللی، (پروتکل ۱) ژنو، ۸ ژوئن ۱۹۷۷، در هفتم دسامبر ۱۹۷۸ به اجرا درآمد، 1125 UNTC 3؛ پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های ۱۲ اگوست ۱۹۴۹ ژنو، و مربوط به حفاظت از قربانیان مناقشات مسلحانه غیربین‌المللی، (پروتکل ۲) ژنو، ۸ ژوئن ۱۹۷۷، در هفتم دسامبر ۱۹۷۸ به اجرا درآمد، 1125 UNTC 609.

<sup>۴</sup> کنوانسیون منع شکنجه، و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده، نیویورک، ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴، در ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ به اجرا درآمد، 1465 UNTC 85.

<sup>۵</sup> Nuremberg and Tokyo

<sup>۶</sup> The International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia

متحد، قطعنامه ۹۵۵ را در نوامبر ۱۹۹۴ تصویب کرد و دادگاه بین‌المللی کیفری «رواندا» را تاسیس نمود. مورد «کامبوج» چه بسا جدی‌ترین نمونه باشد. در آوریل ۲۰۰۵ بود که توافق‌نامه‌ای بین سازمان ملل و دولت کامبوج امضاء شد تا براساس آن، دادگاه تحت حمایت سازمان ملل در داخل نظام حقوقی کامبوج ایجاد شود. اولین کیفرخواست در سال ۲۰۰۸ یعنی بیست و نه سال پس از سقوط رژیم خمرهای سرخ<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۹ صادر شد. این دادگاه‌ها غالباً پس از مدتی، روش و مسیری در پیش می‌گیرند که در ابتدای امر توسط پدیدآورندگان آنها پیش بینی نشده است<sup>۲</sup> و این موضوع باعث بوجود آمدن پیچیدگی‌های به مراتب بیشتری در روابط بین جهان دیپلماسی و عدالت بین‌المللی می‌شود.

دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۲۰۰۲ طبق «اساسنامه رُم» با هدف جایگزین کردن فرایند سیاسی پیچیده دادگاه‌های ویژه و ارائه یک ساز و کار دائمی بین‌المللی برای محاکمه افراد بخاطر ارتکاب جرایم جنگی، نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و خشونت تاسیس شد. دیوان کیفری بین‌المللی یک نقطه عطف در حقوق بین الملل بشمار می‌آید. این مفهوم که «جنایت علیه حقوق بین‌الملل توسط انسان‌ها انجام می‌شود و نه نهاد های انتزاعی»<sup>۳</sup>، به رکن اساسی حقوق کیفری بین‌الملل تبدیل شده است؛ و مسئول شناختن این افراد برای جنایات انجام شده هم جزء ارکان اساسی در نظر گرفته شد. با وجود آنکه دولت‌ها می‌توانستند به افراد متهم به نقض حقوق کیفری بخشودگی اعطا کنند، اما این اختیار نمی‌توانست به نقض گسترده حقوق بشر تعمیم یابد. پاسخگویی درخصوص معافیت از مجازات به یکی از وجوه مشخصه حقوق بین‌الملل بدل شد.

با این حال، ارتباط متقابل بین قانون و دیپلماسی، امری پیچیده است. هرگز پیش بینی نشده بود که از ساز و کارهای پاسخگویی، نظیر دادگاه‌های جنایات جنگی برای مداخله استفاده شود. با الگوگیری از دادگاه «نورنبرگ» برای جنگ جهانی دوم، این پیش فرض وجود داشت که عدالت، بخشی از فرایند پاسخگویی و جبران خسارت است، نه چیزی که همگام با مخاصمات جاری و تلاش‌های دیپلماتیک برای پایان دادن به این مخاصمات باشد. با این حال، واقعیت تعارضات و درگیری‌های چندساله در

<sup>۱</sup> the Khmer Rouge

<sup>۲</sup> به عنوان مثال، توجه داشته باشید که در پی دادگاه رواندا، مجازات اعدام ملغی شد.  
<sup>۳</sup> دادگاه بین‌المللی نظامی نورنبرگ، «حکم»، (۱۹۷۴)، در ۴۱ AJIL، ۱۷۲، صص. ۲۲۳-۲۲۱ دوباره چاپ شد.